

مایکل آرگیل

روان‌شناسی و دین

سجاد دهقان زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

فهرست مطالب

۱۷	یادداشت مترجم	
۱۹	درباره نویسنده	
۲۱	پیش‌گفتار	
۲۳	رابطه بین روان‌شناسی و دین	فصل یکم:
۲۳	تعارض‌های سنتی بین علم و دین	
۲۷	حل تعارض‌های بین علم و دین	
۳۱	تعارض‌های جدید بین روان‌شناسی و دین	
۳۶	روان‌شناسی اجتماعی و حوزه‌های وابسته جریان اصلی روان‌شناسی	
۳۹	آنچه در پی خواهد آمد	
۴۰	نتایج	
۴۳	اجتماعی شدن	فصل دوم:
۴۳	مقدمه	
۴۴	تأثیر اجتماعی خانواده	
۴۷	آموزش دینی	
۴۹	تغییر کیش	
۵۰	نظریه‌هایی در باب تغییر کیش	
۵۴	عوامل شخصیت	
۵۵	تأثیرات تغییر کیش	
۵۶	دین در سنین مختلف	

۶۱	نتایج و موارد بحث	
۶۳	تأثیر شخصیت	فصل سوم:
۶۳	مقدمه	
۶۳	شخصیت و دین	
۶۳	مقیاس‌های اندازه‌گیری دینداری	
۶۶	ارتباط دین با ویژگی‌های عمومی شخصیت	
۷۱	شکوفای کنندگان استعدادهای درونی	
۷۲	جست‌وجوی معنا	
۷۳	گونه‌های روان‌شناختی یونگ	
۷۵	تفاوت‌های جنسیتی در دین	
۷۸	تبیین تفاوت‌های جنسیتی در دین	
۷۹	فرافکنی والدین	
۸۰	تأثیر استخدام	
۸۱	نتایج	
۸۳	گستره و انواع تجربه دینی	فصل چهارم:
۸۳	مقدمه	
۸۴	انواع تجربه دینی	
۹۳	بررسی‌ها راجع به تجربه دینی	
۹۶	نتایج	
۹۷	علل و آثار تجربه دینی	فصل پنجم:
۹۷	مقدمه	
۹۷	محرك‌های تجارب دینی	
۱۰۷	تأثیرات سنت و اجتماعی شدن	
۱۰۹	تأثیرات تجارب دینی	
۱۱۰	حیات دینی	
۱۱۱	تبیین تجربه دینی	
۱۱۳	نتایج و موارد بحث	
۱۱۵	اعتقادات دینی	فصل ششم:
۱۱۵	مقدمه	
۱۱۶	بررسی‌هایی درباره اعتقادات	

۲۳۰	تطور تاریخی اخلاق و دین
۲۳۰	جوامع پیش از دوره کتابت
۲۳۳	ادیان جهانی دیگر
۲۳۵	خاستگاه‌های زیست‌شناختی اخلاق
۲۳۸	آموزش اجتماعی - تأثیر والدین
۲۴۰	تأثیر گروه همسالان
۲۴۲	دین چگونه می‌تواند بر اخلاق تأثیر بگذارد؟
۲۴۵	آموزش و تربیت دینی
۲۴۶	مشاوره دینی
۲۴۸	نتایج
۲۵۱	فصل سیزدهم: تأثیر دین بر رفتار
۲۵۱	مقدمه
۲۵۱	صدقه
۲۵۴	جرم و نابهنجاری
۲۵۶	رفتار جنسی
۲۵۷	رابطه جنسی بیرون از چارچوب زناشویی (EMI)
۲۵۸	رابطه جنسی پیش از ازدواج (PMI)
۲۵۸	همجنس‌بازی
۲۵۸	سقط جنین و جلوگیری از بارداری
۲۵۹	فعالیت جنسی مطلق
۲۵۹	نتیجه
۲۵۹	تعصب
۲۶۳	کمک و نوع‌دوستی
۲۶۵	اندیشه‌های اخلاقی و قضاوت
۲۶۸	نتایج
۲۷۱	فصل چهاردهم: دنیوی‌سازی و وضعیت فعلی دین
۲۷۱	مقدمه
۲۷۱	دین در بریتانیای قرن بیستم
۲۷۲	حضور در کلیسا
۲۷۳	عضویت در کلیسا
۲۷۳	اعتقادات

فهرست مطالب / ۱۳

۳۱۷	تجربه دینی.....
۳۱۸	شعائر و دیگر رفتارهای دینی.....
۳۱۹	ماهیت اعتقادات دینی
۳۲۱	فواید دین.....
۳۲۲	دین پدیده‌ای اجتماعی است
۳۲۳	آیا روان‌شناسی می‌تواند دین را تبیین کند؟.....
۳۲۵	آیا دین در حال زوال است؟.....
۳۲۶	آیا دین آثار منفی هم دارد؟.....
۳۲۸	پیامدهای ضمنی برای الهیات
۳۳۱	فهرست منابع
۳۹۹	واژه‌نامه.....
۴۳۱	نمایه

فصل یکم رابطه بین روان‌شناسی و دین

تعارض‌های سنتی بین علم و دین

در «انقلاب علمی» قرن شانزدهم، دانشمندان متقدم نظیر فرانسیس بیکن هیچ تعارضی بین علم و دین مشاهده نمی‌کردند، و آماده بودند تبعیت علم از الهیات را بپذیرند. در قرن هفدهم، نیوتن و بویل معتقد بودند قوانینی که آن‌ها کشف کرده‌اند، از جمله «قانون جاذبه»، قوانینی الهی بودند، و این‌که، آنان هنرمندی خداوند را در طراحی نظام هستی تحسین کرده‌اند. آنان نظام هستی را هم‌چون دستگاه خودکار عظیمی می‌دیدند که توسط خدا کوک شده است؛ نیوتن معتقد بود خداوند هنوز هم فعالانه جهان طبیعت را حفظ می‌کند. این دانشمندان خود افرادی دیندار بودند و آثارشان از سوی متألّهان مورد استقبال قرار می‌گرفت.

اما در قرن شانزدهم، با نظریهٔ کپرنیک مبنی بر این‌که زمین مرکز همه چیز نیست بلکه به دور خورشید می‌چرخد، و این‌که زمین متحرک و در حال دوران است، بذره‌های اولین معضل کاشته شد. او استدلال می‌کرد که این نظریه می‌تواند حرکات شناخته شدهٔ خورشید، ماه و سیارات را بهتر از نظریه‌های افلاک و دوائر متحد‌المرکز تبیین کند؛ ولی بسیاری احساس می‌کردند که این نظریه در تضاد با اصول کتاب مقدس است. این نظریه به تدریج مورد قبول اخترشناسان دیگری مثل گالیلهٔ ایتالیایی قرار گرفت، که مجبور شده بود در دادگاه تفتیش عقاید حاضر شود و به خاطر قبول داشتن اصول کپرنیکی و تعلیم آن، هشت سال آخر عمرش را در بازداشت خانگی در فلورانس بگذراند. اکثریت دانشمندان

پروتستان در انگلستان، هلند و آلمانی‌ها تحت رهبری کپلر کار کپرنیک را ادامه دادند. متألهان پروتستان کاملاً با این نظریه موافق بودند: کالون خود را حامی کار علمی نشان می‌داد و اظهار می‌داشت که ضرورت ندارد هر چیزی در کتاب مقدس^۱ را به‌طور لفظی یا ظاهری در نظر بگیریم. لوتر می‌گفت، در نظر او ماه نماد حمایت الهی است؛ اما هم‌چنین تصدیق می‌کرد که نور ماه از خورشید ناشی می‌شود. او به نظام هستی با عنوان «صحنه نمایش جلال الهی^۲» اشاره می‌کرد (مک‌گراث، ۱۹۹۷). هزار و دویست سال پیش از آن، آگوستین وجود یک نظم طبیعی را پذیرفته بود و از این‌که داستان آفرینش در *سفر پیدایش*^۳ به‌صورتی کمتر لفظی بازتفسیر شود، استقبال می‌کرد. مورخان نشان داده‌اند که آیین پروتستان بیش‌تر از آیین کاتولیک پذیرای علم بود، اما در واقع، وضعیت غالباً متغیرتر از این بود (بروک، ۱۹۹۱). با وجود این، همان‌طور که بعداً خواهیم دید تا به امروز عدهٔ قلیلی از دانشمندان موفق، کاتولیک بوده‌اند، هرچند بسیاری از آن‌ها پروتستان و حتی بیش‌تر لادری بوده‌اند.

کتاب مقدس زمان آفرینش را بیان نمی‌کند، اما طی چندین قرن تفاسیر لفظی از *سفر پیدایش* برای ارائهٔ نظریه‌هایی در باب قدمت و تاریخ زمین به کار گرفته شده است. در سال ۱۶۵۰ میلادی، جیمز آشر اسقف اعظم آرما، قدمت زمین را با توجه به شخصیت‌های کتاب مقدس محاسبه کرد و به این نتیجه رسید که زمین در ۸ صبح شنبه بیست و دوم اکتبر سال ۴۰۰۴ پیش از میلاد، خلق شده است. زمین‌شناسان با این نظریه موافق نبودند؛ اما برخی از آن‌ها در سال ۱۹۹۶، طی ضیافتی شش‌هزارمین سال تولد زمین را جشن گرفتند. در قرن نوزدهم، لرد کیلین قدمت زمین را با رقمی کاملاً متفاوت یعنی ۴۰۰ میلیون سال اعلام کرد. با کمال تعجب، ظاهراً این اختلاف، کاملاً برخلاف مشاجرات پیرامون منظومهٔ شمسی و مشکل بعدی دربارهٔ نظریهٔ تکامل، زیاد موجب نگرانی دینداران نشد. با این حال، اختلاف نظرهایی وجود داشت؛ در سال

1. Bible

2. Theatre of The Glory of God

3. The Genesis: کتاب اول از اسفارخمسکه که در بخش عهد عتیق کتاب مقدس وجود دارد.

۱۸۸۳، چارلز لایل تا حدی در نتیجه مشاجره با اسقف کاپلستن به خاطر بی‌اعتقادی‌اش به توفان نوح، از منصب استادی زمین‌شناسی در کالج کینگ استعفا کرد، گرچه کاپلستن اظهار می‌داشت که هر نوع تضاد با زمین‌شناسی را می‌توان با برخی تفسیرهای مجدد کتاب مقدس سازگار کرد (بروک، ۱۹۹۱).

یکی از مهم‌ترین تعارض‌های بین علم و دین مربوط به تکامل انواع بوده است. در اوایل قرن نوزدهم در بریتانیا، میان حوزه علم و دین همکاری رضایت‌مندانهای وجود داشت، ولی بعد از داروین همه چیز دگرگون شد. داروین در سال ۱۸۵۹، کتاب *منشأ انواع* را تألیف کرد که گزارشی از خاستگاه‌های نوع بشر به دست می‌داد و به کلی با گزارش *سفر پیدایش* اختلاف داشت. به نظر داروین، گونه بشر برحسب اتفاق از میمون‌ها و موجودات ساده‌تر به وجود آمده است؛ هیچ طرح و هدفی در ورای آن و هیچ نوع آفرینش ویژه‌ای در کار نبود. این وضعیت در بریتانیا توسط همکار وی، تی. اچ. هاکسلی که درباره منشأ پیشنهادی میمونی ما سرگرمی بسیاری یافته بود، شکل حادثی به خود گرفت. نظریه تکامل به طور کامل قابل اثبات نیست و در آن مشکلاتی درباره فقدان گونه‌های میانی در شواهد فسیلی وجود دارد، اما این نظریه به صورت خیلی گسترده پذیرفته شده است. در سال ۱۸۶۰، در یکی از جلسات انجمن بریتانیایی در اکسفورد، تی. اچ. هاکسلی مناظره مشهور خود را با ساموئل ویلبرفورس، اسقف اکسفورد، انجام داد که در آن پیروز شد. وقتی از هاکسلی پرسیده شد، آیا ترجیح می‌دهد از طرف پدر یا مادر خود زاده‌ایک بوزینه باشد، پاسخ داد که او بیش‌تر ترجیح می‌دهد فرزند یک بوزینه باشد تا فرزند یک اسقف (بروک، ۱۹۹۱). در سال ۱۹۲۵، ویلیام جنینگز برایان، در جلسه دادگاه که به «محاكمة میمون» معروف است، جان. تی. اسکوپس را به دلیل طرفداری از نظریه تکامل محاکمه کرد و تلاش داشت هیئت منصفه را متقاعد کند تدریس نظریه تکامل در مدارس آمریکا را ممنوع اعلام کنند. او موفق به این کار نشد ولی هنوز چندین ایالت آمریکایی وجود دارند که در آن‌ها بنیادگرایان از آموزش نظریه تکامل ممانعت به عمل می‌آورند، یا این نظریه در آن ایالت‌ها باید به صورت

یک فرضیه در کنار دیگر فرضیه‌ها ارائه شود. تکامل را می‌توان یک شیوه اجرای کار خلقت خداوند در نظر گرفت، لذا نباید آن را در تضاد با دین پنداشت.

زیست‌شناسی اجتماعی عبارت است از به کارگیری اصول زیست‌شناسی، به ویژه اصل تکامل و ارزش بقا^۱ در حوزه رفتار انسانی. این علم در فهم و تبیین نمود عاطفی انسان، روابط خانوادگی و نیز نوع دوستی موفقیت‌هایی به دست آورده است. مسئله این است که ما نمی‌دانیم این موارد تا چه حد ناشی از عوامل زیستی ذاتی، و تا چه اندازه معلول اجتماعی شدن و اکتساب از فرهنگ هستند. برخی از رفتارهای نوع‌دوستانه را می‌توان با فرضیه «ژن خودخواهی» و فرضیات مرتبط با آن و مثلاً با این گفته که «اگر افراد به خویشاوندان نزدیک خود یاری برسانند، ژن‌ها بهتر بقا خواهند یافت»، تبیین کرد. مطالعات درباره پرنده‌گان نشان داده است که آن‌ها به خویشاوندان نزدیک خود کمک می‌کنند و وقتی این امر اتفاق می‌افتد شمار بیش‌تری از پرنده‌گان جوان زنده می‌مانند. با وجود این، هنوز نمی‌دانیم این اصول تا چه حد در مورد انسان‌ها کارگر است. نوع دوستی هم‌چنین با پیوندهای نزدیک با خویشاوندان و با انتظارات اجتماعی که باید در مورد بستگان رعایت کنیم، قابل تبیین است و از باورهای دینی و دیگر تصورات در اذهان افراد تأثیر می‌پذیرد. در هر حال، این فرضیه، نوع دوستی را در مورد افراد خارج از دایرهٔ بلافصل خانواده و دوستان، یا اشکال پیچیده تفکر اخلاقی که افراد به آن پای‌بندند، و کاملاً مغایر با واکنش‌های مکانیکی گونه‌های حیوانی است، تبیین نمی‌کند. دربارهٔ این مطلب در فصل ۱۳ بیش‌تر بحث می‌شود.

داوکینز (۱۹۹۱) موضعی الحادی اتخاذ کرده و مدعی شده که تکامل می‌تواند همهٔ پدیده‌ها، حتی دین را توضیح دهد. بنابراین ادعا، وجود باورها و نهادهای دینی به‌طور کلی برحسب ارزش بقای‌شان تبیین می‌شود. اما هر تصویری، خواه دینی یا علمی، اگر صرفاً حاصل فرایندهای کورکورانهٔ تکاملی باشد، نامعتبر است و ادعای هیچ نوع حقیقتی را نخواهد داشت. برخی نیز استدلال